

روزنامه‌نگاری شهروندی و ضرورت تغییر در قانون مطبوعات

ایران

احمدرضا مسعودی^۱

سید وحید عقیلی^۲

چکیده

هدف از انجام این تحقیق که با روش دلفی انجام شده است، شناخت و شناسایی تغییرات قانون مطبوعات در آینده با توجه به شکل‌گیری روزنامه‌نگاری شهروندی است. با توجه به تحولاتی که فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی در همه زمینه‌ها و به ویژه در عرصه مطبوعات کاغذی و دیجیتالی به وجود آورده‌اند از جمله خبرنگار شهروندان، ضرورت بازنگری و تغییر قانون مطبوعات در ایران مطرح شده است. در این تحقیق، محقق با انجام سه مرحله مصاحبه عمیق و پرسش‌گری موفق شد ۱۸ گزاره که تبیین‌گر توافق سرآمدان حقوق مطبوعات، روزنامه‌نگاران و استادان دانشگاه است را مشخص سازد.

مهم‌ترین یافته‌ها بیانگر آن است که قانون فعلی مطبوعات باید تغییر یابد. بهترین نظام حقوقی برای مطبوعات ایران، نظام تنبیهی است.

حتی اگر قانون تغییر کند اما ضمانت اجرایی نداشته باشد، چیزی تغییر نخواهد کرد. پس قانون‌گرایی و اجرای آن نیز یک اصل مهم است که باید تغییردهندگان قانون بدان توجه داشته باشند. یکی دیگر از تغییرات مورد نظر در قانون مطبوعات، تصویب قانون جامع نظام رسانه‌ای کشور است که در برگیرنده همه رسانه‌ها اعم از مکتوب، شنیداری و تصویری و یا چندرسانه‌ای است.

واژگان کلیدی: قانون مطبوعات، نظام حقوقی، دسترسی آزادانه،

انتشار آزادانه. روش دلفی

۱ کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

ahmadreza1991@gmail.com

۲ دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. aqili@srbiau.ir

مقدمه

یکی از مهم‌ترین معیارهای وجود آزادی در هر جامعه‌ای، آزادی مطبوعات است. با تحولات جدید در عرصه روزنامه‌نگاری شهروندی و امکان اطلاع‌رسانی از سوی شهروندان در کانال‌های ارتباطی فضای مجازی از یک سو نظارت و کنترل دولت بر این جریان وارد مناقشات جدی شده است و از سوی دیگر اعمال قانون مطبوعات بر رسانه‌های شهروندی اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود. حفظ حریم خصوصی در این مناقشات در آینده برای شهروندان البته بسیار حائز اهمیت است و قانون‌گذار با توجه به وضعیت جدیدی که امکانات بیشتری را برای ورود خبرنگاران به حریم خصوصی افراد در جامعه فراهم کرده است؛ باید تغییرات لازم و ضروری را در قانون مطبوعات اعمال نماید تا حقی از شهروندان ضایع نگردد.

سیر تحول قانون مطبوعات در ایران نشانگر آن است که در کمتر از ۱۰۰ سال قانون‌گذاری در حوزه مطبوعات، شاهد ۵ بار تغییر قانون مطبوعات بوده‌ایم. آخرین قانون مطبوعات مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۶۴ است که در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تصویب شد و محدودیت‌های زمان جنگ را هم نداشت. پس از پایان جنگ تحمیلی به دلایل سیاسی و تحولات نوین در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات از جمله پیدایش وبلاگ‌ها و وب‌سایت‌ها؛ درت اریخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی موادی از این قانون را اصلاح کرد. یکی از اصلاحات بحث برانگیز تبصره ۳ ماده یک است که نشریات الکترونی را هم در تعریف مطبوعات می‌گنجانند: "تبصره ۳(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰)- کلیه نشریات الکترونی مشمول مواد این قانون است." که معنای آن این است که هرکسی بخواهد در فضای مجازی اخبار و اطلاعاتی منتشر کند باید امتیاز نشریه داشته باشد!

این در حالی است که در حال حاضر حدود ۲۰۰۰ نفر در صف اخذ امتیاز نشریه هستند و اصولاً چگونه می‌توان برای میلیون‌ها نفری که در فضای مجازی تبادل اخبار و اطلاعات می‌کنند مجوز صادر کرد؟

باید توجه کرد که طبق تبصره الف ماده ۷ (اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰) چاپ و انتشار نشریه‌ای که پروانه برای آن صادر نشده یا پروانه آن لغو گردیده و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است، ممنوع و جرم محسوب می‌شود. شاید برای رفع این مشکل بود که در ۱۵ آذر ۱۳۹۵ آقای واعظی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در مصاحبه‌ای که خبرگزاری ایسنا منتشر کرد گفت: کانال‌های خبری که بیش از ۵ هزار عضو دارند بر اساس مصوبه شورای عالی فضای مجازی باید مجوز بگیرند.

با توجه به این که روزنامه‌نگاری شهروندی در فضای مجازی در قالب نظارت و کنترل دولت نمی‌گنجد و اعمال قانون مطبوعات کنونی بر آن‌ها غیر ممکن و یا بسیار دشوار است. لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا لازم نیست قانون مطبوعات کنونی تغییر یابد تا در آینده روزنامه‌نگاری شهروندی به حیات خود ادامه دهد؟ و سؤال مهم‌تر آنکه این تغییرات چگونه باید باشد؟

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

این تحقیق می‌تواند با پیش‌بینی تغییرات در قانون مطبوعات در جهت انجام روزنامه‌نگاری شهروندی قدم مهمی بردارد و به رفع اختلاف نظر میان منتقدان قانون فعلی با قانون‌گذاران و مجریان قانون کمک شایسته‌ای به عمل آورد. از آنجا که تاکنون در این زمینه هیچ تحقیقی انجام نشده است. می‌تواند خلاء موجود در تحقیقات را تا حدود زیادی برطرف سازد. فایده این تحقیق ارائه پیش‌بینی‌هایی است که آینده قانون مطبوعات و روزنامه‌نگاری شهروندی را برای مسئولان دولتی و بخش خصوصی و دست‌اندرکاران روزنامه‌نگاری ترسیم می‌کند تا آن‌ها بتوانند به کمک این آینده‌نگری در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های خود دقت نظر بیشتری بکار برند.

سؤالات پژوهش

۱- سؤال اصلی

آیا در آینده روزنامه‌نگاری شهروندی لزومی برای تغییر قانون مطبوعات وجود

دارد؟

۲-سؤالات فرعی

- آزادی مطبوعات در قانون آینده چگونه خواهد بود؟
- در آینده روزنامه‌نگاری شهروندی، آزادی انتشار و ممنوعیت تو سل به امتیاز چگونه خواهد بود؟
- در قانون مطبوعات آینده برای شهروندان از کدام نظام حقوقی، تنبیهی، و یا مختلط) استفاده خواهد شد؟
- در قانون مطبوعات آینده برای روزنامه‌نگاری شهروندی و حفظ حقوق شهروندان، چه محدودیت‌هایی اعمال می‌شود؟
- وضع حقوقی تأسیس و اداره کانال‌های ارتباطی برای روزنامه‌نگاری شهروندی چگونه خواهد بود؟
- وضع حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری شهروندی در آینده چگونه خواهد بود؟
- در قانون مطبوعات آینده حق داری خاص (هیات منصفه) روزنامه‌نگاری شهروندی چگونه خواهد بود؟

فرضیات تحقیق

از آنجا که این تحقیق اکتشافی و توصیفی است. تحقیقات توصیفی غالباً فرضیه ندارند. (از کیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲:۳۴۲).

چارچوب مفهومی

در این تحقیق با توجه به اکتشافی بودن آن نیازی به استفاده از چهارچوب نظری نیست اما به دلیل اهمیت و نزدیکی مباحث نظام‌های مطبوعاتی به نظریه سیبرت و همکارانش اشاره می‌شود. با توجه به نظریه چهارگانه مطبوعات سیبرت و همکارانش و همچنین افزودن دو نظریه مطبوعاتی دیگر که در بخش مبانی نظری بدان‌ها پرداخته شد و نهایتاً اصلاحات و تغییر این نظریه‌ها توسط دنیس مک کوئیل که به چهار مدل هنجاری مطبوعات تبدیل شده است، می‌توان با نظام‌های مطبوعاتی در جهان آشنا شد تا جنبه‌ها و زمینه‌های تغییر قانون مطبوعات را در نظام مطبوعاتی

آینده ایران اسلامی بررسی و پیش‌بینی نماییم. مدل چهارگانه دنیس مک کوئیل عبارت است از:

۱- مدل تجاری یا لیبرال - ۲- مدل مسئولیت اجتماعی ۳- مدل حرفه‌ای ۴- مدل

رسانه‌های جایگزین

چند سال بعد مک کوئیل به جای شش نظریه رسانه‌ای به چهار مدل اعتقاد پیدا کرد و در ویرایش ششم کتاب خود این چهار مدل را به اختصار شرح داد.

چهار مدل متفاوت هنجاری مک کوئیل

دنیس مک کوئیل می‌گوید می‌توان چهار مدل متفاوت هنجاری را برای نظریه‌های مطبوعاتی در دهه آغازین قرن بیست و یکم ارائه داد و منظور او از مدل کمتر به معنای متداول آن و بلکه ارائه مجموعه‌ای تئوریکال از آینده براساس دو عنصر ایده‌ها و آرایش‌ها از یک نظام رسانه‌ای است که به تنهایی اصول هنجاری را برجسته می‌نماید (مک کوئیل، ۲۰۱۰: ۱۸۴). او سپس چهار مدل را این‌گونه تقسیم بندی می‌کند:

۱- مدل تجاری یا لیبرال متکثر: که براساس مطبوعات آزاد و نظریه لیبرالی که در چهار نظریه سیبرت آمده بود و شامل آزادی خود رسانه و آزادی عملش در جامعه می‌باشد. بدون کنترل مطالب و نظارت دولت که مطالبش را برای رفع نیازهای افراد جامعه منتشر می‌کند. می‌توان آن را با عنوان «بازار آزاد عرضه ایده‌ها» نیز نامید.

۲- مدل مسئولیت اجتماعی یا علاقمندی عموم: این مدل براساس حق آزادی انتشار به همراه وظایف مطبوعات در جامعه‌ای گسترده‌تر که فراتر از خود-علاقمندی پیش می‌رود یک مفهوم مثبت از آزادی را ارائه می‌دهد. مسئولیت رسانه‌ها می‌طلبد که با خود-مقرراتی کردن امور با استناد دارد بالا بر کیفیت کار بیافزایند هر چند نمی‌توان دولت را از مداخله در امور مطبوعات محروم کرد.

۳- مدل حرفه‌ای: در این مدل به نقش‌های جامعه و نگرانی معیارهایی که به مدل خود مطبوعات و حرفه روزنامه‌نگاری تعلق دارد، می‌پردازد. مطبوعات وارث میوه‌هایی از مباحث آزادی و دموکراسی از زمان گذشته‌اند و در زمان فعلی هم مطبوعات بهترین نگاهبانان توجهات و علایق مردم یعنی اطلاع‌رسانی، اظهار نظر و

ارائه پلاتفرم برای بیان نظرات متفاوت هستند. خود مختاری نهادهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری بهترین پاسدار و تضمین کننده کافی مراقبت و نگهداری از قدرت است. ۴-مدل رسانه‌های جایگزین: مدلی است که محدوده‌ای از رسانه‌های اصلی را با سرچشمه‌ها و اهدافشان در بر نمی‌گیرد. معهدا آن‌ها ارزش‌های مشترک به ویژه بر کوچکی مقیاس مردمی بودن سازمان، مشارکت و جامعه، اشتراک اهداف بین تولیدکنندگان و مخاطبان، افزودن مخالفان (در بعضی موارد) به قدرت دولت و صنعت، تأکید می‌کند. این مدل از عقلانیت عمومی به اندازه آیدهای بوروکراتیک-حرفه‌ای صلاحیت و بهره‌وری اجتناب می‌ورزد. این مدل برحق خرده فرهنگ‌ها با ارزش‌ها خاص خودشان و ارتقاء فهم بین‌الذهانی و حس واقعی جامعه، تأکید می‌کند.

۱- حقوق مطبوعات چیست؟

برای شناخت حقوق مطبوعات که برخی نیز با توجه به ظهور رسانه‌های جدید آن را «حقوق رسانه» نیز می‌نامند ابتدا باید به دو واژه «رسانه» و «حقوق» پرداخت. سپس به معنای ترکیبی آن اشاره کرد.

۱-۱ رسانه چیست؟

اصولاً رسانه (Media) به عنوان واسطه و وسیله‌ای برای انتقال پیام از فرستنده به گیرنده مطرح است. «به طور کلی، رسانه یک کارگزاری واسطه‌ای است که امکان می‌دهد ارتباطات اتفاق بیافتد. در معنایی دقیق‌تر، رسانه تحولی فن‌آورانه است که برکانال، برد و یا سرعت ارتباطات بسی می‌افزاید» (اوسولویوان و دیگران، ۲۳۹:۱۳۸۵) در این تعریف باید میان انواع رسانه‌های طبیعی و غیرطبیعی تفاوت قائل شد.

دانشی رسانه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- رسانه‌های طبیعی: رسانه‌ای که از طریق آن ایده‌ها به شیوه‌ای

زیست‌شناختی (از طریق صدا، حالات چهره، اشارات دست و غیره) انتقال می‌یابند.

۲- رسانه‌ی ساخته شده: رسانه‌ای که از طریق آن ایده‌ها به وسیله‌ی برخی وسایل ساخته شده (کتاب، نقاشی، مجسمه، نامه، و غیره) بازنمایی و منتقل می‌شوند.

۳- رسانه‌ی مکانیکی: رسانه‌ای که از طریق آن ایده‌ها به وسیله‌ی اختراعات مکانیکی مانند تلفن، رادیو، تلویزیون، رایانه و غیره انتقال می‌یابند (دانسی، ۱۳۸۷: ۲۶).

بدون شک، بین رسانه‌های ساخته شده و مکانیکی وجوه مشترک زیادی وجود دارد. اولی، دومی را هم شامل می‌شود. زیرا رسانه‌های مکانیکی در واقع انواع خاصی از رسانه‌های ساخته شده هستند. رسانه‌های «غیر زیست‌شناختی» را می‌توان به سه دسته‌ی گسترده تقسیم کرد: چاپی، الکترونیک و دیجیتال. اساساً این رسانه‌ها از نظر آن چیزی که شیوه‌ی بیان خواننده می‌شود، با هم تفاوت دارند. یعنی رسانه‌های چاپی از نظر شیوه‌ی رمزگذاری پیام‌هایشان، این امکان را برای افراد فراهم می‌آورند که پیام‌های کلامی خود را بر سنگ، دیواره‌ها، پاپیروس، کاغذ و سایر سطوح یا مواد نگهدارنده‌ی خط «بیان کنند». رسانه‌های الکترونیک به افراد اجازه می‌دهند که پیام‌های خود را از طریق کانال الکترونیک با استفاده از وسایلی چون ضبط، رادیو و تلویزیون بیان کنند. ضبط چیزی است که صدا را ضبط می‌کند مانند نوار و سی‌دی. رادیو سیستمی شنیداری است که امکان ارسال و دریافت سیگنال‌های رادیویی (امواج الکترومغناطیس) را در وسایلی به نام رادیو فراهم می‌کند. تلویزیون سیستمی است که ارسال تصاویر دیداری را همراه با صدا به صورت امواج الکترومغناطیس که از طریق وسایل گیرنده‌ای به نام دستگاه تلویزیون به شکل اولیه بازگردانده می‌شوند، ممکن می‌سازد. رسانه‌های دیجیتال بر سیستم‌های رایانه‌ای مانند اینترنت، ماتریسی از شبکه‌ها که رایانه‌های سر تا سر دنیا را به هم وصل می‌کند، و وب جهان گستر - خدمات دهنده‌ای اطلاعاتی در اینترنت که از سایت‌ها و فایل‌های به هم مرتبط تشکیل شده و با برنامه‌ای به نام مرورگر قابل دسترسی است - متکی هستند. (دانسی، ۱۳۸۷: ۲۶). به نقل از (فراهانی، ۱۳۹۶)

۲-۱ تعریف حقوق

حقوق، جمع حق است و حق عبارت است از امتیازی که در جامعه بر اساس قانون، قرارداد یا عرف و عادت برای فرد در درون جامعه به وجود می‌آید و افراد جامعه در برابر این حق فردی موظفند به آن احترام بگذارند و حق او را رعایت کنند. (امیری، ۱۳۹۵:۱۰۸).

مفهوم دیگر حقوق را علم شناخت قوانین وضع شده از سوی قانون‌گذار بر شمرده‌اند. در نظر داشته باشیم که قوانین بر اثر تحولات اجتماعی و سیاسی گاهی نسخ می‌شوند و قوانین دیگری جایگزین آن‌ها می‌شوند. برخی قوانین با برخی دیگر در تضادند. تعدادی از قوانین مجمل، مبهم، ناقص و یا نامفهوم‌اند به شکلی که برای شناخت دقیق و اجرای درست و صحیح‌شان مستلزم شناخت و کسب دانش مربوط به حقوق هستیم. (هاشمی، ۱۳۸۱:۱۷) به نقل از (امیری، ۱۳۹۵:۱۰۹).

براین اساس می‌توانیم نتیجه بگیریم که حقوق رسانه‌ها مجموعه‌ای از قوانینی است که قانونگذار برای احصا حق رسانه‌ها وضع کرده است. اما به طور طبیعی ضمن آن که جامعه و افراد آن باید به حقوق رسانه‌ها احترام بگذارد، رسانه‌ها نیز باید به حقوق مردم واقف باشد و آن را رعایت کنند. پس می‌توانیم بگوییم حقوق مطبوعات یا همان رسانه‌ها عبارت است از: «مجموعه مقررات و قوانینی که بر رسانه‌ها و افراد وابسته به آن حکومت می‌کند». (براتی، ۱۳۸۴:۳۹) به نقل از (امیری، ۱۳۹۵:۱۰۹).

آنچه که بر اهمیت حقوق مطبوعات می‌افزاید تضمین آزادی‌های دسترسی به اطلاعات و اخبار و حق انتشار آن توسط رسانه‌ها است. در حقوق مطبوعات حق انتشار، رعایت حقوق شهروندان، حقوق خبرنگاران و حق دادرسی با حضور هیئت منصفه بسیار حائز اهمیت است. در شرایط جدیدی که شاهد تسهیل ارتباطات و دسترسی به اخبار و اطلاعات توسط شهروندان هستیم، به نظر می‌رسد برخی مواد قانونی دیگر محملی برای اجرا در جامعه ندارند مانند موضوع کسب امتیاز انتشار نشریه که عملاً با توجه به توانمندی کاربران در ایجاد وب سایت‌ها و وبلاگ‌ها و یا حضور در کانال‌های ارتباطی شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، تلگرام و فیس‌بوک خدشه‌ای جدی بر آن وارد شده است. از این رو حقوق مطبوعات در بسیاری از موارد نیازمند اصلاح،

حذف و یا تکمیل بعضی مواد قانونی است. تا تعریف تازه‌ای از آن براساس مقتضیات کنونی ارائه شود.

اما در کنار تعریف روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و پیدایش روزنامه‌نگاری شهروندی همچنان مهم‌ترین موضوع‌هایی که در حقوق مطبوعات در گذشته و حال بدان توجه شده است شامل: حق آزادی مطبوعات، مقررات تأسیس مطبوعات (انظام‌های پیشگیری، تنبیهی، مختلط و اجازه قبلی) حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و مستثنیات آزادی مطبوعات (حریم خصوصی و...) می‌شوند. ابتدا به تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای می‌پردازیم:

۳- (روزنامه‌نگار حرفه‌ای)

تا پیش از تحولات اخیر در فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، کار کسب اخبار و اطلاعات و انتشار آن‌ها برعهده خبرنگارانی بود که در مطبوعات، خبرگزاری‌ها و رادیو تلویزیون مشغول کار بودند. آن‌ها به عنوان یک شغل تمام وقت یا نیمه وقت و پاره وقت در تحریریه کار می‌کردند و برای دریافت کارت حرفه‌ای خبرنگاری می‌بایست مشمول تعریف روزنامه‌نگار باشند.

دکتر کاظم معتمدنژاد حقوق‌دان و استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبایی معتقد است: «تعریف قانونی و هویت حرفه‌ای مذکور، به منزله ارکان اصلی استقلال حرفه روزنامه‌نگاری، در واقع با سطح آزادی فعالیت مطبوعات و روزنامه‌نگاران و به طور کلی با وضع آزادی اطلاعات و ارتباطات در هر کشور، بستگی بسیار نزدیک دارند». (معتمدنژاد، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

مسئله مهمی که ضرورت تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای را تسریع بخشید، سوء استفاده نظام‌های اقتدار طلب در کشورهای بود که با روزنامه‌نگارسازی اهداف خود را در انتشار اخبار مطلوب نظرشان به پیش می‌بردند همچنین نبود تعریفی روشن از «روزنامه‌نگار حرفه‌ای» در جوامع کاملاً آزاد نیز، گرچه براساس آن همگان از حق روزنامه‌نگاران برخوردار می‌شوند، بدین جهت مورد نقد قرار گرفته است که از طریق آن موضوع بسیار مهم «مسئولیت اجتماعی» مسکوت می‌ماند: اگر هرکس در هر زمان و بدون هیچ تجربه و آموزشی خود را روزنامه‌نگار بخواند چگونه می‌توان از او انتظار

داشت که در فعالیت روزنامه‌نگاری خود از موازین مسوولیت اجتماعی این حرفه آگاه و بدان پای بند و ملتزم باشد؟ (نمکدوست تهرانی، ۱۳۷۷)

لذا برای مقابله با چنین وضعی توجه‌ها به سوی تعریف این حرفه جالب شد. با مراجعه به تجربیات اکثر کشورهای آسیایی و خاورمیانه مانند هند و بنگلادش و لبنان و کشورهای آفریقایی مانند الجزایر مشاهده می‌شود شغل اصلی بودن مهم‌ترین ویژگی حرفه روزنامه‌نگاری است. کشور فرانسه نخستین کشوری است که تعریفی قابل قبول در ۲۹ مارس ۱۹۳۵ برای حرفه روزنامه‌نگاری در قانون کار خود ارائه داده است:

«روزنامه‌نگار حرفه‌ای، کسی است که شغل اصلی، مرتب و با اجرت او، انجام کار در یک روزنامه یا نشریه دوره‌ای تهیه شده در فرانسه و یا یک خبرگزاری فرانسوی است و منابع مالی اصلی ضروری برای زندگی خود را از این طریق، به دست می‌آورد.». (همان: ۱۸۶) در ادامه نماینده خبری که در قلمرو فرانسه یا خارجه کار می‌کند و مشمول این تعریف است و همکاران مستقیم هیئت تحریریه مانند نویسندگان مترجم، تندنویسان، بازنویسان، خبرنگاران عکاس، به جز کارگزاران تبلیغات بازرگانی و کسانی که فقط به نحوی یک همکاری تصادفی دارند، در ردیف روزنامه‌نگاران حرفه‌ای قرار می‌گیرند.

به موجب ماده یکم قانون مصوب ۴ ژوئیه ۱۹۷۴ متن قبلی قانون کار فرانسه؛

تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای به شرح زیر اصلاح و تصویب شد:

«روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که شغل اصلی، مرتب و با اجرت او، انجام کار در یک یا چند نشریه روزانه یا دوره‌ای یا یک یا چند خبرگزاری است و منابع اصلی خود را از این طریق به دست می‌آورد. « (معمدنژاد، ۱۳۸۶: ۱۸۷). به نظر می‌رسد با این تعریف هم می‌توان جلوی روزنامه‌نگار سازی نظام‌های اقتدارگرا را گرفت و هم می‌توان به روزنامه‌نگاران غیرحرفه‌ای مسوولیت‌شان را یادآوری کرد. اما اکنون که فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی زمینه را برای ورود خبرنگار شهروند و یا همان روزنامه‌نگار-شهروند آماده کرده است به نحوی که بسیاری از خبرگزاری‌ها و

مطبوعات و رادیو تلویزیون از توثیت‌ها و دیگر منابع متعلق بدان‌ها استفاده می‌کنند، آیا زمان تغییر؛ تکمیل و یا اصلاح تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای فرا نرسیده است؟

۴-۱- روزنامه‌نگاری شهروندی

برای شناخت روزنامه‌نگاری شهروندی باید دانست که این نوع از روزنامه‌نگاری با رشد شتابان فناوری‌های جدید که در دسترس بودن، ارزان شدن و تسهیلاتی چون تعاملی شدن ارتباط را رقم زده است، حیات یافته و عموماً با اینترنت همراه است این نوع از روزنامه‌نگاری در فضای مجازی که یک فضای غیرقابل کنترل و سانسوراست، شکل می‌گیرد. به این ترتیب آزادی مطبوعات در جوامع وارد مرحله تازه‌ای شده است و قوانین و مقررات تازه‌ای را می‌طلبد. جی دی لاسیکا در مقاله‌ای باعنوان «روزنامه‌نگاری مشارکتی چیست؟» معتقد است روزنامه‌نگاری شهروندی باعث اجتماعی شدن خبر شده است. در تأیید این گفته انتشار اخبار محرمانه دولت‌های انحصار طلبی چون آمریکا در ویکی لیکس و یا افشاگری‌های اسنودن درباره اخبار محرمانه ایالت متحده آمریکا نشان دهنده ورود شهروندان به اخبار غیرقابل دسترسی روزنامه‌نگاران حرفه‌ای است و چنین اخباری را امروزه مهم‌ترین خبرگزاری‌ها و مطبوعات جهان از شهروندان غیرحرفه‌ای کسب و منتشر می‌سازند. لاسیکا در تعریف روزنامه‌نگاری شهروندی می‌نویسد:

«روزنامه‌نگاری شهروندی به طیفی از شیوه‌های مبتنی بر وب می‌پردازد که کاربران «عادی» و توده‌های مردم در آنها کار روزنامه‌نگاری انجام می‌دهند.» (Lasica, 2003) روزنامه‌نگاری شهروندی شامل شیوه‌هایی چون وبلاگ‌نویسی است که به وقایع جاری می‌پردازد. به اشتراک گذاشتن عکس و ویدئو در اینستاگرام و یوتیوب و ارسال و دریافت اظهار نظرهای (کامنت) شاهدان عینی درباره رویدادهای جاری نیز از این جمله‌اند. همچنین فعالیت‌هایی چون: پست مجدد، لینک زدن، برچسب زدن (علامت گذاری واژه‌های کلیدی)، رتبه بندی، اصلاح یا اظهار نظر درباره گزارش‌های خبری از سال شده که توسط سایر کاربران یا شاغلان حرفه‌ای خبر از خروجی رسانه‌ها دریافت شده با شد، را شامل می‌شود. زیرا از این طریق کاربران در فضای مجازی در جریان این اخبار قرار می‌گیرند، بدون آنکه خبری

یا محتوایی تولیدکنند(مانند استفاده مطبوعات از اخبار خبرگزاری‌ها). ال‌اس‌یک‌ا می‌پرسد آیا وقتی که یک وبلاگ‌نویس اظهارنظری درباره یک خبر می‌نویسد، آیا او یک روزنامه‌نگار است؟ و پاسخ می‌دهد: معمولاً نه. اما بستگی دارد وقتی که یک وبلاگ‌نویس نظرش را که متکی بر تحقیق است یا اینکه نظرش را شخص نویسنده معتبری ملاحظه کرده باشد، منتشر کند. کار او به عنوان یک کار روزنامه‌نگاری در نظر گرفته می‌شود(همان:۲۰۰۳).

از سوی دیگر "حقوق ارتباطی با مفاهیمی چون «حقوق شهروندی»، «جامعه اطلاعاتی» و «حقوق بشر» رابطه‌ای تنگاتنگ دارد(معمدمنژاد ومعظمی گودرزی، ۹:۱۳۸۹).

اولین نظریه پردازی که درباره حقوق شهروندی اندیشه خود را در سال ۱۹۶۰ میلادی منتشر کرد، مارشال (Marshal) جامعه شناس انگلیسی بود. که اتکا بر حقوق مدنی و حقوق سیاسی مانند آزادی‌های فردی را کافی ندانسته و بر لزوم توجه به حقوق اجتماعی تأکید می‌ورزید تا این آزادی‌ها امکان تحقق کامل پیدا کند.

پس از او این بحث ادامه یافت. دولت رفاه در اروپای غربی نیز هم‌زمان با مباحث نظریه شهروندی روی کار آمد. از همین زمان این مفهوم، اندیشه‌ای نظری و حکومتی شد(همان، ۱۰). دهه پایانی قرن گذشته از این رو دهه «شهروندی» نامیده شد و این مفهوم زنده و پویا هنوز هم در دستور بحث‌ها و تفکر اندیشمندان قرار دارد. (فالكس، ۱۳۸۱:۱۴۱) بدین ترتیب نظریه شهروندی را می‌توان نهضت برابری خواهی و توانا سازی افراد جامعه برای ادای وظایف خود دانست که بر استقلال فرد شهروند تأکید دارد: "شهروندی، یک موقعیت عضویت(در جامعه) است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات می‌شود و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد" (همان، ۱۴۱). نظریه شهروندی بر برابرجویی شهروندان متکی است و در واقع صورت تلطیف شده و تعدیل یافته نظام یا نظریه آزادی‌گرای مطبوعاتی است که سیبرت و همکارانش ارائه داده‌اند(معمدمنژاد ومعظمی گودرزی، ۱۰:۱۳۸۹).

با این همه، روزنامه‌نگاری شهروندی در کنار و همراه با روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در جوامع امروزی شکل گرفته و با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهایی که ایجاد می‌کند،

نیازمند مقررات و قوانین جدیدی است تا حقوق روزنامه‌نگاران شهروند و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای در جامعه رعایت شود و روزنامه‌نگاران شهروند نیز مانند روزنامه‌نگاران حرفه‌ای مسئولیت قانونی خود را بشناسند و بدان عمل نمایند. باتوجه به مبانی انتشار نشریه در کشورهای گوناگون، در حقوق مطبوعات سه نوع نظام تأسیس نشریات دسته بندی شده‌اند: پیشگیرانه، تنبیهی و مختلط. اکنون به اختصار هر یک را بر می‌شماریم:

۱- نظام پیشگیرانه

در کشورهایی که دارای نظام‌های اقتدارگرا هستند مانند اکثر کشورهای استبدادی در گذشته‌های نه چندان دور تأسیس نشریات بر مبنای «نظام تأمیینی، احتیاطی و پیشگیری» صورت می‌گیرد. در این نوع از نظام‌ها، هر شهروندی که بخواهد نشریه‌ای منتشر کند باید طبق قوانین و مقررات پیش از انتشار درخواست امتیاز انتشار نشریه نماید و سپس بعد از کسب امتیاز می‌تواند نشریه خود را منتشر کند. بنابراین کسانی که بدون پروانه انتشار نشریه؛ اقدام به انتشار آن نمایند مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرند.

بر اساس بررسی‌های «کمیسیون بین‌المللی یونسکو برای مطالعه در مسائل ارتباطات» در سال ۱۹۷۹ میلادی، کشورهای مصر، سوریه، عراق، افغانستان، مالزی، و امارات متحده عربی از جمله کشورهایی بوده‌اند که نظام پیشگیرانه را در زمینه فعالیت‌های نشریات اتخاذ کرده بودند (معمد نژاد، ۱۳۸۵: ۳۰). در سال ۱۳۸۶ کشور افغانستان از شیوه اجازه قبلی به شیوه ثبت نام تغییر روش داد. بر اساس ماده ۳۴ قانون رسانه‌های افغانستان «صاحبان امتیاز رسانه‌های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون مکلف‌اند بیان نام‌های حاوی معلومات ذیل را به خاطر ثبت به وزارت اطلاعات و فرهنگ تقدیم نمایند:

۲- نظام تنبیهی

برخلاف نظام پیشگیرانه در نظام تنبیهی نیازی به کسب مجوز و امتیاز نیست اما اگر نشریه‌ای برخلاف قانون مطلبی منتشر کند تنبیه می‌شود.

«استقرار نظام تنبیهی نیازمند نظام نظارتی یا دستگاه قضایی قدرتمند است. بنابراین در حکومت‌هایی که احساس آسیب‌پذیری بیشتری وجود دارد، تمایلی به استفاده از این نظام مشاهده نمی‌شود. (سرشار، ۱۳۹۰:۱۴۴)

در این نظام ممکن است افراد مقید به ثبت نام در دفتر مخصوص و یا اعلان به مقام مسئول شوند از نظر حقوقدان‌ها این شرط مخل ذات تنبیهی بودن نظام نیست و آن را به یک نظام پیشگیرانه تبدیل نمی‌کند بلکه حداکثر یک تحمیل حکومت برای تسهیل نظارت بر آزادی‌های فردی در جامعه محسوب می‌شود. زیرا در حالت اعلان، حکومت و دولت نمی‌توانند از استفاده فرد از آزادی‌های خود جلوگیری کنند. (همان: ۱۴۴)

بنابر بررسی «کمیسیون بین‌المللی یونسکو برای مطالعه در مسائل ارتباطات» در سال ۱۳۷۹ میلادی، در کشورهای انگلیس، استرالیا، زلاندنو، و اسپانیا؛ انتشار نشریات منوط به ثبت نام در یک دفتر ویژه این امور بوده است. کشورهای فرانسه، آلمان غربی و سنگال نیز انتشار روزنامه‌ها را موقوف به تسلیم اعلان‌نامه‌ای به مقامات قضایی کرده بودند. همچنین کشورهای ایالات متحده آمریکا و سوئد هیچ اقدامی را برای انتشار نشریه ضروری ندانسته بودند. حتی در قانون اساسی کشورهای هلند، دانمارک، ایسلند، لوکزامبورگ، ایتالیا، پرتغال و ترکیه، الزام به کسب مجوز پیش از انتشار، صریحاً نفی شده است (معمدنژاد، ۱۳۸۵: ۳۲). در این میان کشور مغرب نیز طبق مواد ۵ و ۴ قانون مطبوعات، انتشار نشریه را منوط به تسلیم گزارشی به دادگاه کرده است (مجاب، ۱۳۷۸: ۸).

۳- شیوه ترکیبی

در این شیوه انتشار نشریه منوط به کسب امتیاز است (نظام پیشگیری) اما بعد از انتشار نیز طبق قانون با متخلفین برخورد می‌شود (نظام تنبیهی). طبعاً همه کشورهایی که از نظام پیشگیری استفاده می‌کنند. بعد از انتشار نشریه امکان برخورد قانونی با آن را دارند. شاید به همین دلیل تنها به وجود دو نظام متضاد در نظام‌های تأسیس مطبوعات و رسانه‌ها تا کنون اشاره شده است.

در جمع‌بندی پیرامون نظام‌های تأسیس مطبوعات می‌توان با اشاره به تحولات فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی که امکان انتشار نشریات و پخش برنامه‌های ویدئویی (تلویزیونی) را برای آحاد مردم و شهروندان فراهم کرده است، اصولاً الزام شهروندان به کسب مجوز و حتی در برخی موارد امکان مجازات متخلفین وجود ندارد. زیرا امروزه هرکسی می‌تواند در هر گوشه‌ای از این جهان پهناور برای همه ساکنان کره زمین که دسترسی به اینترنت دارند، روزنامه منتشر کند و یا برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی تهیه و پخش نماید. از این رو ضرورت تغییر در نظام‌های تأسیس مطبوعات امروزه امری غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد.

برای آن که تصویر جامع و کاملی از وضعیت کشورها در زمینه قانون انتشار نشریات به دست آوریم در جدول شماره ۱ شیوه‌های انتشار نشریات در برخی کشورهای جهان تا سال ۱۹۷۹ میلادی نشان داده شده است:

جدول شماره ۱- مقایسه انتشار نشریات در برخی کشورهای جهان (۱۹۷۹ میلادی)

نظام تنبیهی		نظام پیشگیرانه		
بدون هیچ اقدام		اعلان به مقام مسئول	ثبت نام در دفتر مخصوص	اخذ مجوز پیش از انتشار
منع صریح در قانون اساسی	-			
هلند دانمارک ایسلند لوکزامبورگ ایتالیا پرتغال	سوئد ایالات متحده آمریکا	فرانسه ترکیه آلمان غربی سنگال مغرب	انگلیس ایتالیا زلاندنو اسپانیا روسیه	ایران سنگاپور اندونزی مصر سوریه عراق افغانستان مالزی امارات متحده عربی اردن

منبع: (مقدم فر، ۱۳۷۴: ۹۳)

اکنون که در سال ۲۰۱۷ میلادی بسر می‌بریم برخی از کشورهایی که تابع نظام پیشگیری بودند مانند افغانستان و آلمان شرقی به نظام تنبیهی روی آورده‌اند.

روش تحقیق:

روش این تحقیق، «روش دلفی» است که روشی کیفی بوده و از جمله روش‌های مبتنی بر پیش‌بینی آینده است.

دلفی یا دلفای روشی است که از طریق آن با یک رویکرد تیمی به تصمیم‌گیری می‌پردازند و با تعریف مسئله‌ی مورد مطالعه، تحقیق آغاز می‌شود، سپس با آماده سازی دو یا سه پرسش‌نامه‌ی اجرایی که به گروه انتخابی متخصصان داده یا برای‌شان فرستاده می‌شود ادامه یافته، و در نهایت، با تحلیل پاسخ‌ها پایان می‌پذیرد.

برخی نیز دلفای را مجموعه‌ی راه کارهایی تعریف می‌کنند برای بیرون کشیدن و تهذیب دیدگاه‌های یک گروه که معمولاً افرادی متخصص‌اند.

در هر حال دلفی روشی است که با آن به موضع و توافق گروهی از متخصصان درباره‌ی موضوعی معین پرداخته می‌شود. این قضاوت جمعی متخصصان، گرچه دیدگاه‌ها و نقطه نظرات ذهنی مختلف فراهم می‌آورد، ولی قابل اعتمادتر از بیانات فردی و شخصی، و در نهایت، پیامد آن عینیت و دقت هرچه بیشتر است. (ساروخانی، ۹۱:۱۳۸۳)

روش‌های تحقیق را پژوهش‌گران در دو بخش کمی و کیفی دسته‌بندی و تقسیم می‌کنند که در این میان روش دلفی خصوصیات هر دو دسته‌ی کمی و کیفی را داراست. زیرا از یک سو مبتنی بر داده‌های دست اول است و از سوی دیگر می‌توان بر روی این داده‌ها محاسبات کمی را انجام داد. (مسعودی، ۱۳۸۳)

رمز موفقیت یک مطالعه‌ی دلفی، در انتخاب شرکت‌کنندگان آن می‌باشد. از آنجایی که نتایج دلفی به دانش و معلومات اعضای گروه وابسته است حضور اشخاصی که احتمال می‌رود دارای نظرات گران‌بهایی هستند، ضروری است.

این روش برای نظرخواهی از کارشناسان درباره‌ی آینده‌ی متغیرهای منفرد طراحی شده است. پاسخ‌ها از نوع کمی ساده (سال، احتمال، ..) است تا بتوان نتیجه را با کمیت‌های گرایش‌های مرکزی (معمولاً میانه) و شاخص پراکندگی نمایش داد. پاسخ هر کارشناس در مجموعه‌ی پاسخ‌ها گنجانده شده و موقعیت او نسبت به "میانه" مشخص می‌شود. نتیجه‌ی تحلیل به کارشناس بازگردانده می‌شود تا اگر بخواهد نظر خود را با توجه به دیگر نظرها تعدیل کند. تکرار پرسش-پاسخ تا جایی

ادامه می‌یابد (معمولا ۴ تا ۵ مرتبه) که دیگر هم‌گرایی پا سخ‌ها افزایش نیابد. (توفیق، ۱۳۷۷)

روش گردآوری داده‌ها:

- برای نگارش پیشینه و مبانی نظری از فیش برداری و روش کتابخانه‌ای استفاده شد.

- برای دستیابی به داده‌های تحقیق از تکنیک مصاحبه و به روش دلفی اقدام شد.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه:

جامعه آماری شامل سرآمدان حوزه مطبوعات و حقوق مطبوعات (روزنامه‌نگاران، حقوقدانان و استادان روزنامه‌نگاری) است. معیار انتخاب هدفمند سرآمدان عرصه حقوق مطبوعات، استادان دانشگاه و روزنامه‌نگاری است که با سابقه بیشتر از ده سال در عرصه مطبوعات شناخته شده‌اند. برای نمونه‌گیری هدفمند، ابتدا با اخذ نظر یک یا دو سرآمد، لیستی از سرآمدان تهیه و سپس ۱۴ سرآمد انتخاب و به مصاحبه عمقی و ساختار نیافته با آن‌ها پرداخته شد. سرآمدان عبارتند از: پژمان موسویان روزنامه‌نگار فرهنگی، آزاده تاج علی روزنامه‌نگار اجتماعی، میثم ترکیان خبرنگار ورزشی، بهزاد مهرکش سردبیر خبرگزاری بسیج، دکتر حسن رستمی استاد ارتباطات، دکتر سید محمد دادگران استاد علوم ارتباطات، دکتر کامبیز نوروزی حقوقدان، دکتر سید مرتضی موسویان رئیس مرکز رسانه‌های دیجیتال، نعمت احمدی حقوقدان، سید نظام موسوی مدیرعامل خبرگزاری فارس، مهدی فضائی کارشناس رسانه و مدیرعامل سابق خبرگزاری فارس و انتشارات سروش، احسان گل محمدی دبیر فضای مجازی خبرگزاری میزان، امیرهادی انواری روزنامه‌نگار اقتصادی، حمید ضیایی‌پرور استاد دانشگاه و معاون سازمان فناوری‌ها و رسانه‌های دیجیتال.

روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها و پرسش‌نامه باز امکان تجزیه و تحلیل کیفی را برای محقق آماده می‌سازد در پایان می‌توان از آمار توصیفی نیز برای تبیین توافق‌های سرآمدان استفاده کرد.

روایی و پایایی پرسشنامه

پرسش‌نامه حاصل دو دور گفتگو با سرآمدان است و چون از دل یافته‌های تحقیق به دست می‌آید، روایی و پایایی آن تأیید می‌گردد.

۱- یافته‌های تحقیق در مرحله اول مصاحبه‌های دلفی

پس از مصاحبه عمقی در دور اول مصاحبه‌ها، با پانزده تن از سرآمدان روزنامه‌نگاری و حقوق مطبوعات، آن‌ها در کنار پاسخ دادن به پرسش‌های فرعی؛ آن‌ها به پرسش اصلی تحقیق نیز پاسخ دادند.

در مرحله اول مصاحبه‌های عمقی با ۱۴ سرآمد، گزاره‌های زیر در تحلیل محتوای پاسخ‌های پاسخگویان تعیین و مشخص شدند:

- ۱- قانون مطبوعات فعلی بسیار قدیمی و سراسر اشکال است.
- ۲- باید تعریف دقیقی از خبرنگار-شهروند ارائه کرد
- ۳- تغییرات در فضای مجازی خیلی زیاد است و تصویب قانون برای نظارت بر محتوای رسانه‌های مجازی خیلی مشکل است.
- ۴- تغییر قانون مطبوعات در ساختار ایران که امنیتی است و ارکان آن ایدئولوژیک هستند معایب زیادی دارد که ممکن است با وضع قانون جدید محاسن اصلا به چشم نیایند.

۵- در صورتی که سندیکا و صنف خبرنگاران در قانون به مسائل رسیدگی کند، آزادی مطبوعات وجود خواهد داشت

۶- اصل این قضیه که کسی بخواهد رسانه داشته باشد و کانالی در تلگرام مثلا داشته باشد و مجوز بگیرد زیر سؤال است. با سرعت تحولات در دنیای آینده این موضوع امکان‌پذیر نیست.

- ۷- در حال حاضر مانند سابق انحصار وجود ندارد برای گرفتن امتیاز نشریه بنابراین اینکه قانون وضع شود احمقانه است.
- ۸- اگر کسی از طریق حرفه خبرنگاری امرار معاش می‌کند اگر خطایی داشت باید از طریق سندیکا و صنف رسیدگی شود در غیر این صورت اگر شهروندی خطایی داشت طبق قانون جرایم رایانه‌ای باید شناسایی شود و طبق قانون با آن برخورد کرد.
- ۹- در صورتی که هیئت منصفه‌ای تخلفات رسیدگی کند که در آن یک مطبوعاتی و خبرنگار با سابقه وجود داشته باشد آزادی دچار خدشه نمی‌شود در حاضر در ترکیب فعلی هیئت منصفه حتی یک مطبوعاتی با سابقه وجود ندارد.
- ۱۰- با گرفتن امتیاز پیش از انتشار مخالف هستیم باید به صورت حرفه‌ای بعد از اعطای مجوز نظارت کرد. باید یکسری استانداردها تعریف بشود تا هرکسی خودش را روزنامه‌نگار نداند چون کمیته تعیین مصادق در حال حاضر اقدام به فیلتر می‌کند که مشخص نیست آن سایت یا کانال تلگرام آیا حرفه‌ای است یا خیر.
- ۱۱- در نظام حقوقی آینده باید پیگیرانه برخورد کرد یعنی یک ترکیبی از افراد صلاحیت حرفه‌ای آن شخصی که می‌خواهد کار کند را تأیید کنند چون در شرایط فعلی کسی خودش را روزنامه‌نگار می‌داند در حالیکه به دنبال منافع شخصی خودش است بنابراین بهتر است از نظام حقوقی مختلط استفاده شود.
- ۱۲- در صورتی که نگاه امنیتی و سلبی در خصوص شبکه‌های اجتماعی وجود نداشته باشد آزادی مطبوعات و شهروند خبرنگاران تأمین خواهد شد.
- ۱۳- در حال حاضر در هر ساعت شاید صدها کانال و صفحه مجازی ایجاد می‌شود بنابراین بسیار مسخره است که در این فضا کسی بخواهد امتیاز بگیرد یا مجوزی کسب کند.
- ۱۴- نظام مختلط پیشنهاد می‌شود اما صنف و سندیکا باید به تخلفات حرفه‌ای مطبوعاتی رسیدگی کنند و جرایم افراد عادی که خبرنگار حرفه‌ای نیستند توسط پلیس فتا دنبال شود
- ۱۵- اگر به صورت فله‌ای فیلترینگ انجام نشود و اول بررسی کنند ببینند کسی که مطلب نوشته خبرنگار واقعی است، آزادی مطبوعات بهتر رعایت می‌شود.

۱۶- اصلا امکان ندارد کسی بتواند برای انتشار مطلب و راه اندازی صفحه قانونی ایجاد کند اما اگر محتوای آن صفحه مناسب نبود و مجرمانه بود طبق قانون جرایم رایانه‌ای می‌تواند بررسی شود.

۱۷- باید از یک نظام حقوقی استفاده کرد که همه در انتشار مطالب و عقاید خودشان آزاد باشند مگر اینکه کار مجرمانه‌ای انجام بدهند وگرنه قبل از اینکه کسی حرکتی انجام داده نمی‌توان کسی را محاکمه و مجازات کرد.

۱۸- اگر قانون به شکلی باشد که فضا را محدود نکند آزادی مطبوعات وضعیت مناسبی خواهد داشت

اصلا امکان ندارد کسی بخواهد امتیاز بدهد و عده‌ای ثبت نام کنند که مثلا می‌خواهند امتیاز انتشار یک کانال داشته باشند.

۱۹- باید نظام حقوقی برقرار باشد که اگر کسی کاری برخلاف مصالح عمومی جامعه انجام داد توسط قانون مجازات شود.

۲۰- ما ۲ نوع شهروند خبرنگار داریم اینکه اگر کسی مطلب خلاف واقع بگوید چه کسی باید رسیدگی کند مشخص نیست قانون‌گذار فقط عنوان کرده رسانه‌های دیجیتال ولی نیامده است افراد غیر حرفه‌ای که از راه رسانه ارتزاق می‌کنند را هم در نظر بگیرد. اگر این موارد لحاظ شود آزادی رسانه‌ها تضمین می‌شود.

۲۱- در لایحه نظام جامع رسانه‌ای دیده شده این موضوع که چگونه باشد گرفتن امتیاز اما الان فضای رسانه تغییر پیدا کرده بنابراین برای کانال‌های تلگرامی هم باید قانون پیش بینی کنند.

۲۲- باید در قانون لایحه نظام جامع رسانه‌ای این موضوع لحاظ شود که اگر شهروند خبرنگاری عمل مجرمانه‌ای انجام داد چه تکلیفی دارد.

۲۳- قانونی که نیاز است باید بر اساس ممیزی پس از انتشار باشد بنابراین باید خود کنترلی و نظارت مخاطبان هم وجود داشته باشد و دیگرانی که مسئولیت مستقیم ندارند موارد تخلف را گوشزد کنند.

- ۲۴- مثلاً خود شبکه‌های اجتماعی صاحب پلیس هستند و ما نیز بحث لیبلینگ را مطرح کرده‌ایم که اگر کسی محتوای مجرمانه منتشر کرد می‌توان بر اساس لیبلینگ اعلام کند.
- ۲۵- اگر کسی جرم مشهودی انجام داد ما کد "شامت" ایجاد کرده‌ایم که با گرفتن شامت از اون فرد دیگر نمی‌تواند ادامه کار بدهد در صورتی هم که اگر کسی حقی از او ضایع شده باشد می‌تواند از طریق قضایی پیگیری کند.
- ۲۶- باید این طور باشد که اگر کسی تخلفی کرد با آن برخورد کرد و گرنه در این فضا امکان برخورد نیست چون در هر ثانیه یک کانال جدید ایجاد می‌شود. باید کد شامت را اجرایی کرد.
- ۲۷- قانون فعلی باید تغییر کند.
- ۲۸- نیازی به تغییر قانون فعلی نیست.
- ۲۹- باید قانون جامع رسانه‌ای که در برگیرنده همه رسانه‌ها یعنی مطبوعات، رادیو و تلویزیون و رسانه‌های دیجیتال باشد. تصویب شود.
- ۳۰- باید نظام آزادی‌گرا بر قانون مطبوعات حاکم شود.
- ۳۱- قانون مطبوعات باید بر اساس نظام مسئولیت اجتماعی بازنویسی شود.
- ۳۲- قانون مطبوعات باید ضمانت اجرایی داشته باشد.
- ۳۳- در نظام جدید باید به جای پیشگیری و اخذ امتیاز نظام تنبیهی و مجازات در صورت جرم را جایگزین کرد.
- ۳۴- در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها قابل کنترل نیستند.
- ۳۵- در فضای مجازی می‌توان محتوای رسانه‌ها را هم کنترل کرد.
- سپس با استفاده از پرسش‌نامه‌ای از آنان خواسته شد چنانچه با این گزاره‌ها هم‌رایی ندارند آن را اصلاح کنند.

۲- گزاره‌های حاصل از دور دوم مصاحبه‌ها

پس از انجام مصاحبه در دور اول ۳۵ گزاره را از طریق پرسش‌نامه‌ای تشریحی برای رفع اشکالات گزاره‌ها در اختیار سرآمدان قرار دادیم تا به یک هم‌رایی و توافق نظر دست یابند هر چند موفق به توافق حداکثری میان آن‌ها نشدیم اما حاصل این

مرحله از مصاحبه‌ها حذف تعدادی از گزاره‌های قبلی بود. گزاره‌های مورد توافق به ۱۶ عدد رسید:

- ۱- قانون فعلی باید تغییر کند.
- ۲- نیازی به تغییر قانون فعلی نیست.
- ۳- باید قانون نظام جامع رسانه‌ای که در برگیرنده همه رسانه‌ها یعنی مطبوعات، رادیو و تلویزیون و رسانه‌های دیجیتال باشد، تصویب شود.
- ۴- باید نظام آزادی‌گرا بر قانون مطبوعات حاکم شود.
- ۵- قانون مطبوعات باید ضمانت اجرایی داشته باشد.
- ۶- در نظام جدید باید به جای پیشگیری و اخذ امتیاز نظام تنبیهی و مجازات در صورت جرم راجیگزین کرد.
- ۷- در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها قابل کنترل نیستند.
- ۸- در فضای مجازی می‌توان محتوای رسانه‌ها را هم کنترل کرد.
- ۹- نظام مختلط پیشنهاد می‌شود.
- ۱۰- صنف و سندیکا باید به تخلفات حرفه‌ای مطبوعاتی رسیدگی کنند
- ۱۱- جرایم افراد عادی که خبرنگار حرفه‌ای نیستند توسط پلیس فتا دنبال

شود

- ۱۲- در قانون جدید باید حقوق خبرنگاران حرفه‌ای در نظر گرفته شود.
- ۱۳- حق دسترسی و انتشار در همه رسانه‌ها باید به رسمیت شناخته شود.
- ۱۴- در قانون مطبوعات باید تعریف خبرنگار شهروند ارائه شود.
- ۱۵- حقوق خبرنگار شهروند و مسئولیت‌هایش باید در قانون پیش‌بینی شود.
- ۱۶- اگر به صورت فله‌ای فیلترینگ انجام نشود و اول بررسی کنند ببینند کسی که مطلب نوشته خبرنگار واقعی است، آزادی مطبوعات بهتر رعایت می‌شود. قانونمند شدن فیلترینگ

۳- یافته‌های تحقیق در مرحله سوم مصاحبه‌های دلفی

در آخرین مرحله ۱۶ گزاره را براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت برای ارزش‌گذاری، در قالب پرسش‌نامه به سرآمدان داده شد و آنان میزان توافق خود را

مشخص کردند. در میان گزاره‌های پیش‌بینی شده برای تغییر قانون مطبوعات و توجه به حقوق روزنامه‌نگاران شهروند، برخی در اولویت نخست هستند و برخی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. برای رتبه‌بندی پیش‌بینی‌های سرآمدان از آزمون «فریدمن» (Friedman Test) که یک آزمون غیر پارامتری است، استفاده کردیم. این آزمون در واقع معادل آزمون اف (F) در روش‌های پارامتری می‌باشد. اما در اینجا برخلاف آزمون F، فرض توزیع نرمال و برابر بودن واریانس ضروری نیست.

آزمون فریدمن برای مقایسه سه گروه یا بیشتر از سه گروه هم‌بسته به کار می‌رود. در این روش جدولی ایجاد می‌شود که در آن هر ستون رتبه‌بندی می‌شود و بعد مجموع رتبه‌های هر ستون محاسبه می‌شوند. محقق با آزمون فریدمن می‌خواهد بداند آیا مجموع رتبه‌های هر ستون با چیزی که مورد انتظار محقق است، بسیار متفاوت است یا نه؟ اگر تفاوت زیادی بین شرایط مورد مطالعه وجود نداشته باشد، در این صورت مجموع رتبه‌ها کم و بیش مثل هم‌دیگر خواهند بود. (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۵۰)

پس از آزمون فریدمن، براساس این تحلیل که رتبه‌بندی عوامل (پیش‌بینی) را به دست می‌دهد. گزاره‌های پیش‌بینی بر «حسب قوت» به ترتیب زیر رتبه‌بندی شدند. لازم به ذکر است که منظور از قوت در اینجا مقایسه گزاره‌ها با یکدیگر است.

جدول شماره ۲- آزمون فریدمن سرآمدان

رتبه برحسب قوت	متغیر	پیش بینی	میانگین رتبه
۱	X3	برای جلوگیری از سوء استفاده نظارت الکترونی بر جوامع به قوانین لازم برای حمایت از آزادی‌ها و حفظ حریم خصوصی پیش از پیش نیازمند هستیم.	۱۳/۷۳
۲	X10	در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها قابل کنترل نیستند.	۱۰/۹۵
۳	X2	در نظام جدید باید بجای پیشگیری و اخذ امتیاز نظام تنبیهی و مجازات در صورت جرم را جایگزین کرد.	۱۰/۶۸
۴	X1	صنف و سندیکا باید به تخلفات حرفه‌ای مطبوعاتی رسیدگی کنند	۱۰/۲۷
۵	X16	جرایم افراد عادی که خبرنگار حرفه‌ای نیستند توسط پلیس فضای مجازی (فتا) دنبال شود	۹/۷۳
۶	X14	در قانون مطبوعات باید تعریف خبرنگار شهروند ارائه شود..	۹/۲۳
۷	X4	نظام مختلط پیشنهاد می‌شود.	۱۰/۳۶
۸	X8	باید قانون نظام جامع رسانه‌ای که در برگیرنده همه رسانه‌ها یعنی مطبوعات، رادیو و تلویزیون و رسانه‌های دیجیتال باشد. تصویب شود..	۸/۴۱
۹	X9	در فضای مجازی می‌توان محتوای رسانه‌ها را هم کنترل کرد.	۸/۲۷
۱۰	X13	حق دسترسی و انتشار در همه رسانه‌ها باید به رسمیت شناخته شود.	۸/۰۵
۱۱	X7	قانون فعلی باید تغییر کند.	۷/۶۸
۱۲	X5	قانون مطبوعات باید ضمانت اجرایی داشته باشد.	۶/۹۵
۱۳	X15	اگر به صورت فله‌ای فیلترینگ انجام نشود و اول بررسی کنند ببینند کسی که مطلب نوشته خبرنگار واقعی است،	۶/۷۳

رتبه برحسب قوت	متغیر	پیش بینی	میانگین رتبه
		آزادی مطبوعات بهتر رعایت می شود. قانونمند شدن فیلترینگ	
۱۴	X6	حقوق خبرنگار شهروند و مسئولیت هایش باید در قانون پیش بینی شود.	۶/۵۵
۱۵	X11	در قانون جدید باید حقوق خبرنگاران حرفه ای در نظر گرفته شود.	۵/۶۸
۱۶	X12	نیازی به تغییر قانون فعلی نیست.	۴/۱۸

با توجه به اینکه :

$$N=11 \quad X2 = 46/537$$

$$D.F. = 15 \quad P < 0/005$$

رابطه معنی داری میان انتخاب گزاره های مورد توفیق سرآمدان مشاهده

می شود.

نتیجه گیری

در این تحقیق که با روش دلفی و انجام سه مرحله (روند) مصاحبه عمقی، تشریحی و پرسشنامه صورت گرفت، سرآمدان عرصه حقوق مطبوعات، استادان دانشگاه و روزنامه‌نگاران با سابقه بیشتر از ده سال بر تغییر قانون فعلی مطبوعات نظر دادند. آنان معتقدند بهترین نظام حقوقی برای مطبوعات ایران، نظام تنبیهی است. نظامی که در آن روزنامه‌نگاران برای انتشار روزنامه کاغذی و دیجیتالی نیازی به اخذ مجوز از دولت ندارند و در عوض اگر پس از انتشار تخلف یا جرمی مرتکب شوند بر اساس قانون و در حضور هیات منصفه محاکمه می‌شوند که نتیجه آن تبرئه و یا مجازات روزنامه‌نگار مجرم است.

آنان همچنین معتقدند در مرحله اول می‌بایست خود صنف و سندیکای روزنامه‌نگاران به تخلفات هم صنفی‌های خود رسیدگی نمایند و پای قوه قضائیه را فوراً به میان نکنند. بر این اساس قانون فعلی مطبوعات باید تغییر کند و حق دسترسی آزادانه به اخبار و اطلاعات و انتشار آزادانه آن‌ها را به خبرنگاران بدهند. در قانون جدید باید حقوق حرفه‌ای خبرنگاران به رسمیت شناخته شود و جرایم افراد عادی که خبرنگار حرفه‌ای نیستند در فضای مجازی توسط پلیس فتا پیگیری شود و قانون با آن برخورد نماید.

فیلترینگ در فضای مجازی باید قانونمند شود تا آزادی مطبوعات رعایت شود. دو نظر متفاوت در مورد امکان کنترل رسانه‌ها در فضای مجازی دو نظر وجود دارد یکی می‌گوید امکان پذیر نیست و دیگری با امتیاز کمتری در رتبه بندی می‌گوید امکان کنترل رسانه‌ها در فضای مجازی وجود دارد. برخی بر این باورند که حتی اگر قانون تغییر کند اما ضمانت اجرایی نداشته باشد، چیزی تغییر نخواهد کرد. پس قانون‌گرایی و اجرای آن نیز یک اصل مهم است که باید تغییر دهندگان قانون بدان توجه داشته باشند. برخی نیز با امتیاز کمی نظام مختلط را برای قانون مطبوعات پیشنهاد می‌دهند یعنی همین وضعیتی که الان وجود دارد و افراد براب انتشار روزنامه باید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز و امتیاز انتشار نشریه دریافت کنند و بعد از آن هم اگر تخلف و یا جرمی صورت پذیرد با صاحب امتیاز و یا مدیر مسئول

برخورد تنبیهی صورت می‌پذیرد. یکی دیگر از تغییرات مورد نظر در قانون مطبوعات، تصویب قانون جامع نظام رسانه‌ای کشور است که در برگیرنده همه رسانه‌ها اعم از مکتوب، شنیداری و تصویری و یا چند رسانه‌ای است. در حال حاضر خبرنگاران صدا و سیما مشمول قانون مطبوعات نیستند. تعداد اندکی از سرآمدان هم معتقدند فعلا نیازی به تغییر قانون مطبوعات نیست. این نظر در رتبه بندی مقام آخر را کسب کرده است.

با توجه به تغییرات مهمی که در عرصه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در دنیا و در کشورمان پدید آمده است، مسائل جدیدی در فعالیت‌های خبرنگاران مشاهده می‌شود. این مسائل از نظر سرآمدان حقوق مطبوعات، روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و استادان دانشگاه ضرورت تغییر قانون مطبوعات را گوشزد می‌کند.

مهم‌ترین پیشنهاد تدوین و تصویب قانون جامع رسانه‌ای کشور است. لایحه این قانون هم اکنون در دولت در حال بررسی است اما لازم است این لایحه با نظر سرآمدان مطبوعات تدوین و اصلاح شود زیرا منتقدان، نقدهای اساسی بر آن داشته‌اند.

با توجه به تدوین لایحه قانون جامع رسانه‌ای کشور در دولت پیشنهاد می‌شود تحقیقی پیرامون اشکالات آن و رفع این مشکلات انجام شود.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. اسدی، عباس (۱۳۸۱) بررسی تطبیقی نقش شورای مطبوعات در حراست از آزادی استقلال و اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری/پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی/دانشکده علوم اجتماعی - سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰
۲. اسماعیلی، محسن (۱۳۷۹) قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران، تهران: سروش
۳. اسماعیلی، محسن (۱۳۸۲) «جایگاه حقوقی رسالت رسانه‌ها» دکتر: پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۲.
۴. امیری، آبتین (۱۳۹۵) «بررسی جایگاه حقوق رسانه‌ها در برنامه توسعه ایران»، پژوهش نامه فرهنگی هرمزگان، شماره ۱۲، پائیز و زمستان.
۵. اوسولیوان، تام و همکاران (۱۳۸۵)، مفاهیم کلیدی ارتباطات، ترجمه میرحسن رئیس زاده، تهران: فصل نو
۶. تقی‌خانی، مریم (۱۳۸۱) قانون مطلوب مطبوعات در ایران: نظرسنجی از روزنامه‌نگاران حقوق دانان و سیاستمداران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی
۷. توفیق، فیروز، (۱۳۸۲)، «برخی روش‌های آینده‌اندیشی»، در نخستین کارگاه آینده‌اندیشی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. [جزوه پلی‌کپی]
۸. خان احمدی، علی (۱۳۷۶) اصول اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری از دیدگاه روزنامه‌نگاران ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. خدابخش، بتول (۱۳۷۱) «حدو مرز استقلال مطبوعاتی»، فصلنامه رسانه، سال سوم، شماره دوم، تابستان.
۱۰. خسروی، علیرضا، «بررسی آینده روزنامه‌نگاری در ایران و ارائه چشم‌انداز بیست ساله»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
۱۱. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۳) «دلفای کیفی، ابزار پژوهش در علوم اجتماعی»، فصلنامه مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۸۳، ص ۹۱.

۱۲. سر شار، محمد (۱۳۹۰) حقوق مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها.
۱۳. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۶) نظریه‌های ارتباطات، چاپ سوم، مترجم علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. سون ویندال، سون، بنوسیگنایزر و جین اولسون، (۱۳۷۶) کاربرد نظریه‌های ارتباطات، مترجم علیرضا دهقان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۱۵. فالکس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی، مترجم محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۱۶. فراهانی، مجید (۱۳۹۶) بررسی نقش منبر در ارتباطات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی، دانشگاه سوره
۱۷. فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۳) « جایگاه مطبوعات در سیاست ملی ارتباطی و رسانه‌ای» در:
18. <http://www.magiran.com/article.asp?AID=1470>
۱۹. کاظم زاده، موسی (۱۳۹۱) «حقوق و تکالیف رسانه‌ها از منظر قرآن»، کاظم زاده موسی، همایش منطقه‌ای اخلاق اجتماعی از منظر قرآن کریم و عترت، شهرستان تفت، دانشگاه آزاد اسلامی تفت، ۱۳۹۱
۲۰. کلانتری، خلیل (۱۳۸۲) پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS تهران: نشر شریف.
۲۱. مجاب، علیرضا (۱۳۷۸) بررسی تطبیقی قانون مطبوعات ایران و مغرب، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
۲۲. محمد محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶) تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: انتشارات بعثت .
۲۳. محمودیه، زینب سادات (۱۳۹۱) «پیش‌بینی نظارت الکترونیک در ۱۰ سال آینده‌ی فضای مجازی ایران» پایان نامه کارشناسی ارشد، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی .
۲۴. مسعودی، امیدعلی، «آینده‌نگری چالش‌های نظارت الکترونی در جامعه اطلاعاتی ایران»، رساله دکتری ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، راهنما: دکتر کاظم معتمدنژاد، مشاوران: دکتر نعیم بدیعی، دکتر محسنیان راد

۲۵. معتمدنژاد، دکتر کاظم (۱۳۷۹) حقوق مطبوعات؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۲۶. معتمدنژاد؛ کاظم (۱۳۸۵) حقوق مطبوعات: بررسی تطبیقی مبانی حقوقی آزادی مطبوعات و مقررات تاسیس و انتشار آن‌ها، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۲۷. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۶)، حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، جلد یکم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
۲۸. معتمد نژاد، کاظم و حبیب‌الله معظمی گودرزی، (۱۳۸۹)، «حقوق ارتباطی در جامعه اطلاعاتی»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال هفدهم، شماره ۳ (پیاپی ۶۳)، پائیز..
۲۹. معتمدنژاد، کاظم و رویا معتمدنژاد (۱۳۹۵)، حقوق مطبوعات، جلد دوم، تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها.
۳۰. مقدم فر، حمید (۱۳۷۴) «حقوق مطبوعات در ۱۶ کشور جهان»، فصلنامه رسانه، سال ششم، شماره دوم، تابستان.
۳۱. مک کویل، دنیس (۱۳۸۲) نظریه ارتباط جمعی، چاپ دوم، مترجم پرویز اجلالی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۳۲. مک کویل، دنیس، (۱۳۸۵) نظریه ارتباط جمعی، چاپ دوم، مترجم پرویز اجلالی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه
۳۳. ملک لو، محبوبه (۱۳۷۶) بررسی حقوقی و مسئولیت‌های حرفه روزنامه‌نگاری، پایان نامه کارشناسی ارشد/دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی/ ۷۶-۱۳۷۵
۳۴. مهدیزاده، سید محمد و فریده مطیعی (۱۳۹۰) « بررسی تاثیر هنجاری در رعایت ملاک‌های مطلوب روزنامه‌نگاری»، فصلنامه فرهنگ- ارتباطات، سال اول شماره ۲.
۳۵. نمک‌دوست تهرانی، حسن (۱۳۷۷)، مبانی استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری: نظر سنجی از روزنامه‌نگاران مطبوعات تهران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، استادراهنما دکتر کاظم معتمدنژاد، جلد نخست، سال تحصیلی ۷۷ - ۱۳۷۶
۳۶. نمک‌دوست تهرانی، حسن (۱۳۷۷) مبانی استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری (نظر سنجی از روزنامه‌نگاران مطبوعات تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

۳۷. نوروزی، کامبیز (۱۳۸۹)، مقتضیات و حق‌های اساسی مطبوعات، در مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران: گرایش.

ب- انگلیسی

1. Lasica, J. D. (2003, 7August).” What is Participatory Journalism?”. Online journalism Review, from: <http://www.ojr/workplace/1060217106.php>
2. McQuail, Denis (2010) McQuail, s Mass Communication Theory ,6th edition, Los Angeles: sage
3. Serberny, Anabelle, Ali Mohamadi (1990), Small Media, Big Revolution: Communication, Cultur and the Iranian Revolution, minneapolis: University Minnasota Press.
4. Siebert, F., Peterson, T., and Scheram, W. (1956) Four Theories of the Press. Urban, IL: University of Illinois Press